



شماره ده

علی و دوستش ساکن بندر چابهار در جنوب ایران هستند.

پدر علی راننده تاکسی است. او روزانه مسافران زیادی را به مقصد های گوناگون می رساند. علی به همراه پدر خود، روزهای جمعه به نظافت خانه می پردازد و بعد از اتمام نظافت به گردش و دیدار اقوام می رود. علی و دوستش هر روز در مسیر مدرسه از کنار اسکله رد می شوند و کشتی های بزرگی که مشغول تخلیه بار هستند را تماشا می کنند.

معلم آنها در کلاس درس اجتماعی به آنها گفته بود که سالانه از راه های مختلف حمل و نقل، کالاهای زیادی، واردات و صادرات می شوند. علی و دوستش خوب می دانستند که اگر خیلی از کالاها وارد کشور نشود، کارخانه های صنعتی برای تولید محصولات خود با مشکل رو به رو می شوند و مواد اولیه ای برای تولید محصولات خود ندارند.

دیروز آن ها در ساحل دریا، فسیلی از یک ماهی را پیدا کردند. علی به دوستش توضیح داد: « پیدا کردن فسیل ماهی در ساحل بسیار عادی و طبیعی است. زیرا بیشتر فسیل ها در کف دریاها، اقیانوس ها و لابه لای رسوبات سنگ های رسوبی تشکیل می شوند.»